

## ناسیونالیسم "چپ"؟

در حاشیه بحث ایرج آذرین «اپوزیسیون چپ کرد کجاست؟»

شاهو پیرخضرانیان ۲۲ نوامبر ۲۰۰۲

پروستروویکا، فاتحه کمونیسم غیرکارگری بود. اما این هیولای عظیم توخالی که زمانی بر سخره‌های یخی سیبری لم داده بود، تنها به گور نرفت بلکه مانند مردگان هند باستان، همسرش، ناسیونالیسم چپ را نیز در تابوتش یافت. اشتباه نکنید! ناسیونالیسمی که امروز دامن آلوده به شهوتش را به افتخار وصلتش با آمریکا بیرق کرده است(۱)، بیوه کمونیسم غیرکارگری نیست، هرجائی دوره گردی است که بر گور اروپای شرقی می‌رقصد. بگذارید برقصد اما عشوهایش را باور نکنید.

کمونیستهایی که چشمک زدن این عشوگر پیر را جدی می‌گیرند، به بستری گرم دعوت نخواهند شد. آنرا به جنبش راه ندهید، حمایت از ناسیونالیسم چپ، موضوع کار کمونیستی نیست، باید صف خود را کاملاً جدا نمود.

شاید این گفته چندان ناآشنائی نباشد که ناسیونالیسم آغاز قرن، ظرفیتهای ترقی خواهانه داشته است. اما این مسئله باید بازنگری شود. برخورد غیر طبقاتی کمونیستهای دوران جنگ سرد به مسئله ملی چنین تعریف تردید آمیزی را ایجاب می‌نمود.

بگذارید مسئله را بیشتر بشکافیم! سنت کمونیسم غیرکارگری دوران جنگ سرد و حتی ماقبل آن، این بود که جریانات ناسیونالیستی را جنبشهای مقاومت ملی و ضد ستم ملی ارزیابی می‌کرد و به حمایت از آنها می‌پرداخت. مقوله ناسیونالیسم ترقیخواه دوران جنگ سرد هم به درجه زیادی مدیون این سنت است.

اما اگر جنبش کمونیستی، به مثابه بخش پیشرو طبقه کارگر، به جای حمایت از احزاب ناسیونالیستی که در راس جنبشهای ملی قرار می‌گرفتند، خود، با برنامه روشن کمونیستی به معضل ستم ملی جواب لازم را می‌داد، دلیلی نداشت مدال حقانیت به سینه ناسیونالیسم بیاویزد.

امروز، کمونیسم کارگری به مسئله ملی جواب مناسب را داده است. از آن حمایت کنید. لاس زدن با بخش چپ ناسیونالیسم، تکرار تاریخی است که بستر کمونیسم غیرکارگری بود. باید از این تاریخ شکست خورده فاصله گرفت. راه دادن به گرایشات غیرکارگری به صف مبارزه طبقاتی کارگران، تکرار یک اشتباه تاریخی است.

۱. اشاره به موزیکا لیونیسکی